

«اساساً یهودیت، ضد مسیحیت است.»

اصل مأخذ روزنامه دنیای یهود، ۱۵ مارس ۱۹۲۳.

گرفته شده از کتاب غلبه بر جهان از راه حکومت جهانی.

مسیح مصلوب

به طور کلی، در میان اهل کتاب، اعم از پیروان تورات، انجیل و قرآن کریم، گروهی مؤمن و عده‌ای مشرکند.^۱ این گروه به دلیل بی‌ایمانی، عامل بسیاری از فجایع و نامردمیها هستند. در میان معتقدین دین یهود نیز تعداد مشرکین اندک نیست. آنان، از آغاز پیدایش مذهب موسی علیه‌السلام بوده‌اند و چنانچه قبلاً نیز بیان شد، از آزار و ایذای آن حضرت نیز ابائی نداشتند. امروزه، از این گروه مشرک به نام صهیونیست^۲ یاد می‌شود. در واقع، صهیونیستها همان لشکریان شیاطین هستند که در قرآن کریم از آنان یاد شده است.

پس از فاجعه قتل عام ایرانیها، بد نیست که از مصلوب شدن حضرت مسیح علیه‌السلام سخنی به میان آوریم. در این مورد، به انجیل یوحنا فصل هیجدهم مراجعه می‌کنیم.^۳

^۱ «و بَارَكْنَا عَلَيْهِ وَعَلَى اسْحَقَ وَ ذُرِّيَّتِهِمَا مُحْسِنٌ وَ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ مُبِينٌ». سوره الصافات آیه ۱۱۲ و بر ابراهیم و اسحق برکت دادیم. برخی از نژاد آن دو تن نیکوکارند و برخی دیگر آشکارا بر خویشتن ستم کردند. و در آیه ۷۷ سوره آل عمران آمده است: «وَ اِنْ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يَلُونُ اَلْكِتَابَ لِتَحْسَبُوهُ مِنَ الْكِتَابِ وَ مَا هُوَ مِنَ الْكِتَابِ وَ يَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ وَ مَا هُوَ مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ وَ يَقُولُونَ عَلَى اللّٰهِ الْكُذِبُ وَ هُمْ يَعْلَمُونَ» البته، بعضی از یهودان گروهی هستند که زبانهای خود را به خواندن آن کتاب که نوشته خود ایشان است. تفسیر از حاج شیخ رضا سراج میل می‌دهند تا شما آن را کتاب تورات پندارید. و حال آنکه آنچه می‌خوانند از کتاب تورات نیست و ایشان می‌گویند از جانب خداست. و حال آنکه آن از نزد خدا نیست و دروغ را بر خدا می‌بندند؛ با اینکه می‌دانند (دروغ است). از حاج رضا سراج.

^۲ به اعتقاد «نورمن نیت ویچ» تاریخ دقیق ظهور صهیونیسم را باید زمان حمله بخت‌النصر به اورشلیم و به «اسارت گرفتن مردم یهود»، یعنی «قرن بیستم پیش از میلاد» دانست.

«یوری ایوانف»، نویسنده روسی مارکسیست در کتاب صهیونیسم خود آورده است: «تئوریسینهای صهیونیست با وقاحت تمام تکامل [ایالک تیک] را اختراع می‌کنند که «ابراهیم» را به رهبران صهیونیست قرنهای ۱۸ و ۲۰ پیوند می‌دهد. از آن جمله «ناهوم ساکالو»، صهیونیست کمونیست است که می‌نویسد: «رشته ناگسسته‌ای از بدو تاریخ یهود از خلال نسلها از ابراهیم تا ازمنه ما امتداد داشته است.» برای اطلاع بیشتر به کتاب صهیونیسم، نوشته «یوری ایوانف»، ترجمه «ابراهیم یونسی» مراجعه شود.

^۳ «... پس یهودا که تسلیم کننده وی بود... با لشکریان و خادمان از نژاد رؤسای کهنه و [فرسیان] با چراغها و مشعلها و اسلحه‌ها به آنجا آمدند.» منظور باغی است که حضرت مسیح با شاگردان خود در آنجا گرد آمده بود. «آنگاه سربازان و سرتیبان و خادمان یهود، عیسی را گرفتند و بستند و اول او را نزد حنا رئیس کهنه بردند.» این کاهن «حنا»، رئیس دادگاه عالی صهیونیستهای وقت به نام «سانهدرین» بود که مدت ۳۰ سال این پست را در اختیار داشت. پس از او دامادش یوسف به جانشینی او انتخاب شد همان بود که «به یهودا اشاره کرد، بهتر است یک شخص در راه قوم بمیرد...» یهودیان حتی حضرت مسیح را به دیوانخانه بردند و او را به عنوان یک بدکار معرفی کردند. در جواب، شخص رومی که از آنها سؤال کرد: برای چه این شخص را به اینجا آورده‌اید؟

گفتند: «... اگر بدکار نبود، او را به تو تسلیم نمی‌کردیم.»

«به صلاح است که یک نفر برای قوم بمیرد.»

کاهن اعظم - حنا^۱

فرماندار رومی پس از گفت‌وگو با مسیح علیه‌السلام نزد یهودیان رفت و گفت: «من در این شخص هیچ عیبی نیافتم. آیا می‌خواهید که به جهت عید فصح او را به جهت شما آزاد کنم؟»
همه یهودیان حاضر فریاد کردند و آزادی یک دزد را خواستند. برسم یهود، در عید فصح، آنان یک اسیر را آزاد می‌کنند. «پس، شخص رومی، عیسی را گرفت و تازیانه زد و تاجی از خار بر سر او نهاد...» یهودیان به شخص رومی گفته بودند که او ادعای پادشاهی بر همه جهان را دارد. این بود که تاجی از خار بر سر او نهادند. یهودیان می‌گفتند: «سلام ای پادشاه یهود!» و طپانچه بر او می‌زدند. باز هم شخص رومی حرف خود را تکرار کرد که: «من عیبی در او ندیدم!»
لکن همه صهیونیستهای حاضر و کهنه: که عیسی را آورده بودند، فریاد کردند «به صلیبش کش! به صلیبش کش!» و فریاد می‌کردند: «اگر رهایش کنی، دوست قیصر نیستی. مصلوبش کن!»
و او را که صلیب خود را حمل می‌کرد، به جرم ادعای «پادشاه یهود» بودن، کشتند. حتی وقتی عیسی گفت: «تشنه‌ام» به جای آب با اسفنجی که آماده داشتند، سرکه به لبان او مالیدند. و چنین بود سرگذشت پیامبر خدا که با توطئه مصلوب شد.

^۱. «حنا»، مبارز اصلی علیه عیسی بود. این شخص براساس نوشته انجیل مسیح در صفحه ۴۳۵ - در سال ۶ میلادی به مقام کاهن اعظم منصوب شد و این، همان کسی است که عیسی را با رأی دامادش «قافیا» محکوم به مرگ با شکنجه کرد.

عیسی، جاسوس توطئه‌گر را می‌شناخت!

در انجیل یوحنا، متی و مرقس آمده است: در شام آخر، حضرت عیسی به شاگردان خود گفت: «... به راستی به شما می‌گویم. یکی از شما مرا تسلیم خواهد کرد.»^۱

شاگردان عمیقا غمگین شدند و هر یک شروع به پرسیدن از وی کردند که: «خداوندا، آیا من هستم؟» وی در جواب گفت: «کسی که با من دست در ظرف فرو برده است، او مرا تسلیم خواهد کرد.»^۲ و چون شاگردان اصرار در دانستن آن شخص داشتند، عیسی گفت: «او کسی است که لقمه‌ای را در غذا فرو می‌برم و به او می‌دهم.»

و گفت: «کسی که نان مرا می‌خورد، پاشنه خود را علیه من بلند کرده است.» و آن شخص، یهو^۳ بود که عیسی را به «سی سکه نقره» فروخته بود. او لقمه را گرفت و بی‌درنگ بیرون رفت.^۴ حضرت مسیح دشمنان خود را بخوبی می‌شناخت. او به شاگردانش گفته بود: «اگر جهان شما را دشمن می‌دارد، بدانید که قبل از شما، مرا دشمن داشته است... اگر بر من جفا کردند، بر شما نیز جفا خواهند کرد.»^۵ یهودا ساعتی بعد برگشت، همراه با کهنه و مشایخ قوم یهود و مردان مسلح و سربازان رومی. به آنان گفته بود که: «من دست هرکس را که بوسیدم، عیسی اوست؛ او را دستگیر کنید.»

و چنین کرد و عیسی مسیح پیامبر خدا را تسلیم کرد. در انجیل لوقا آمده است که «یوسف قافیا» کاهن اعظم که رئیس دادگاه عالی یهودیان به نام «سانهدرین» بود، عیسی مسیح را به جرم کفر گفتن محکوم به مرگ کرد و حاضرین «به روی او تف انداختند و او را کتک زدند» و بعضی «او را سیلی می‌زدند.»

در انجیل لوقا می‌خوانیم که «پیلاتس» فرماندار با آنکه خداپرست نبود، معهذا از کشتن عیسی ابا داشت و کوشش می‌کرد او را از چنگ اتهامات کاهنان یهود خلاص کند. لکن کهنه و دیگران حاضر به قبول سازشکاری نبودند و خواهان مرگ او بودند و فریاد می‌زدند: «او را مصلوب کن.» پس عیسی را تازیانه زدند و تاجی از خار بعنوان تاج شاهی بر سر او نهادند و در مقابل او با تمسخر زانو می‌زدند و می‌گفتند: «درودای پادشاه یهودا!»

و به روی او آب دهان می‌انداختند. پیلاتس حتی دستان خود را شست و به جمعیت گفت: «من از این خون بری هستم. خود می‌دانید.»

جالب است که فرماندار رومی به هیچ‌وجه حاضر نبود عیسی را که بی‌گناه شناخته بود، بکشد. لکن مشایخ و اساتید یهود، حاضر به قبول نبودند و فریاد می‌زدند: «اگر او را رها کنی، دوست قیصر نیستی!»؛ لذا پیلاتس گفت: او را بگیرید.

۱. ۷، ۶، ۵. انجیل مسیح، صفحات ۴۱۷-۴۱۸-۴۱۹-۴۳۱.

۲

۳. یهو^۳ بعد از کرده خود پشیمان شد و پول را برای کاهن اعظم پس فرستاد.

۴

۵

اینک پادشاه شما. آنان فریاد زدند: «مصلوبش کم.» پیلطس با تعجب گفت: «من پادشاه شما را مصلوب کنم؟» آنها گفتند: «ما پادشاهی جز قیصر نداریم.»

در پاورقی کتاب «انجیل عیسی» به نکته جالبی اشاره شده است که ذکر آن در اینجا بی‌مورد نیست. در کتاب داوران و اول سموئیل (از کتاب عهد عتیق) آمده است که: «یهودیان با این جواب، سلطنت مطلق خدا بر قوم اسرائیل را رد می‌کنند. قوم بنی اسرائیل به خاطر پیمانی که خدا با ایشان بسته بود، به خدا تعلق داشت. اکنون برای اینکه عیسی را محکوم کنند، خود را از این امتیاز محروم می‌سازند و قیصر را به عنوان تنها پادشاه خود اعلام می‌دارند. به این ترتیب، انکار عیسی به انکار خدا منجر می‌شود.»^۱

نفرت کاهنان از حضرت مسیح بحدی بود که وقتی فرماندار رومی در مقابل جمعیت دستهای خود را شست و گفت: «من از این خون بری هستم. خود می‌دانید!» حاضرین به همراه کهنه فریاد زدند: «خون او بر ما و فرزندان ما باد!». [به انجیل متی مراجعه شود] و این چنین بود مصلوب کردن پیغمبر عشق و دوستی و عجا که مسیحیان در زیر پنجه آهنین صهیونیستها رنج پیغمبر خود را از یاد برده‌اند و با آنان همراه شده‌اند؛ پس چه گونه است که همچنان خود را مسیحی می‌نامند.

حضرت عیسی علیه‌السلام «انسانها را به دو دسته تقسیم کرده است؛ آنانی که او را می‌پذیرند و آنانی که او را رد می‌کنند.»^۲ و این گروه صهیونیستها هستند.

بد نیست در اینجا جمله‌ای از تورات بیاورم. خداوند در جواب مناجات ارمیای نبی می‌گوید:
... آیا حبشی پوست خود را تبدیل تواند نمود؟ و یا پلنگ پیسه‌های خویش را؟ آن گاه شما نیز که به بدی کردن معتاد شده‌اید، نیکویی توانید کرد؟ من ایشان را مثل گاه که پیش روی باد صحرا رانده شود، پراکنده خواهم ساخت...

و سلیمان نبی در کتاب امثال به قوم خود نصیحت کرده و گفته است: «کاملیت راستان، ایشان را هدایت می‌کند. اما کجی جنایتکاران، ایشان را هلاک می‌سازد.»^۳

بد نیست که این جمله نیز از انجیل یوحنا آورده شود که یهودیان از مرد رومی که مسیح را مصلوب ساخته بود، خواستند «تا ساق پای عیسی را بشکنند و پایین بیاورد.» این است که بسیاری از مسیحیان معتقدند، رنجی که بر یهودیان رسیده «حکم خداوند [داوری] بر قوم یهود است. برای اینکه حضرت مسیح را قبول نداشتند.»^۴

در تاریخ ۱۵ مارس ۱۹۲۳ روزنامه «دنیای یهود» (jewish world) نوشت: «اساسا یهودیت ضد مسیحیت است.»^۵ این احساسات یهودیان نسبت به مسیحیان باعث شد که وقتی آنان به امریکا مهاجرت کردند، فرماندار نیویورک که شخص دینداری هم نبود، گفت که این میهمانان ناخوانده «دشمنان منفوری هستند که به نام مقدس مسیح اهانت می‌کنند.» عادت به رباخواری آنها «تجارت توأم با خدعه آنان با مسیحیان، همه باعث شده است که «ارزش آن را نداشته باشند که

^۱ . انجیل مسیح - صفحه ۴۶۱

^۲ . همان انجیل، ص ۲۸۶

^۳ . باب نهم از کتاب امثال سلیمان، صفحه ۹۵۹.

^۴ 1. Peter Grose - Israel in the Mind of America. New York. Alfres-AKnopf. inc. 1983, p. 47

^۵ 2. Sergyei A. Nilus. World conquest through. world Government-Translated by victor E.Marsden p. 11

در نعمات این دنیای جدید [منظور آمریکا است] شریک باشند»^۱

مسیح دوباره مصلوب

اخیراً در خبری شنیدم که در کشور انگلیس، گروهی از معتقدین راستین [؟!]^۲ مذهب مسیح، مشغول تهیه انجیلی هستند که در آن، داماد خون گرفته یهودیان را از کشتن مسیح پیامبر پاک کنند و آنان را از دست داشتن در این جنایت بزرگ مبرا سازند. در حالی که انجیل عیسی، یوحنا و لوقا صراحتاً «بر مسئولیت یهودیان در محکوم کردن مسیح تأکید دارد.»

«هنری فورد»، صاحب کارخانه اتومبیل‌سازی فورد خیال می‌کرد که تنها «آمریکاییان با عینک یهودیان به دنیا می‌نگرند.» متأسفانه نمی‌دانست که همه قدرتهای بزرگ در پنجه صهیونیستها اسیرند. اصولاً صهیونیسم «پنجۀ خونین امپریالیسم» است که باعث می‌شود حتی خود پاک مسیح هم از طرف پیروانش لو ت شود. لذا اگر بگوییم که دولتها و گروهی از عیسویان خون مسیح را فدای لبخند صهیونیستها کرده‌اند، سخنی به گزاف نگفته‌ایم. آنان که تا قبل از دوره رنسانس و حرکت به سوی مادیگرایی در نزد مسیحیان معتقد به عنوان «قاتلین خداوند» و «خدام شیطان» مورد لعن و نفرین بودند، اینک دستهای به خون آلوده آنها را دولتهای مسیحی می‌شویند و می‌بوسند و بندهوار سر به اطاعت و عبودیت در مقابل آنان خم می‌کنند.

مسیح سه‌باره مصلوب؟!

چند سالی است که در امریکا سمینارهایی درباره حقیقت وجودی مسیح برگزار می‌شود. اخیراً مجله تایم در تاریخ هشتم آوریل ۱۹۹۶ با چاپ عکسی از مسیح در پشت جلد، تحقیقی از گروهی از محققان [؟!]^۳ نمی‌دانم مسیحی یا صهیونیست و شاید هر دو، با برنامه‌ریزی توطئه‌گران مرموز، به چاپ رسانیده و در آن از بسیاری از مسائلی که در انجیل آمده و مورد اعتقاد پیروان آن حضرت بوده است که برای قرون متوالی آن را باور داشته‌اند، انتقاد کرده و روی همه آنها خط بطلان کشیده است.

در واقع، حقیقت وجودی حضرت مسیح و دین او را زیر سوال برده‌اند. در آن مقاله، از «مسیحی تاریخی»^۲ و «مسیح مورد اعتقاد»^۳ به تفصیل سخن رفته، و کراراً سؤال شده است که آیا آنچه در انجیل از آن سخن گفته شده است، صحت دارد؟ و می‌تواند قابل اعتماد و استناد باشد؟ یا خیر؟ «اگر جواب منفی است، عیسویان به چه معتقدند؟» در آن مقاله، آخرین شام حضرت مسیح را هم زائیده تفکرات و تصورات نویسندگان انجیل دانسته و نوشته است که: «تمثالهایی که از حضرت مسیح کشیده شده همراه کننده است.» از جمله، تصویری است که نشان می‌دهد یهودا دست مسیح را به علامت نشان دادن آن حضرت به کهنه و مشایخ یهود می‌بوسد.

^۱ 3. Peter Grose; op.cit, p. 3.

^۲ 4. Jesus of History

^۳ Christ of faith .^۵

مسئله دیگری که در این سمینار رد شده، تجدید حیات مسیح پس از مصلوب شدن است. البته، این دیگر به عهده خود مسیحیان معتقد و دربار واتیکان است که درباره صحت و سقم این گونه نوشته‌ها تصمیم بگیرند. به اعتقاد ما مسلمانان، حضرت عیسی زنده و جاوید است تا روز موعود.

حقیقت این است که «یهودیت نه فقط در مقام یک انتقاد مذهبی از مسیحیت و نیز نه تنها به عنوان تجسد تردید در تبار مسیحیت، در کنار مذهب مسیح به موجودیت خود ادامه داده، بلکه همچنین بدین سبب خود را حفظ کرده و حتی در حاشیه جامعه مسیحی به اوج گسترش خویش رسیده است.»^۱

مسلمان این سمینار و امثال آن به اعتقاد صهیونیستها و طرفدارانشان تا روزی که «پادشاهی از تخمه داود بر جهان حکومت کند» ادامه خواهد یافت. در آن وقت، به گفته خاخام ریشورن:^۲ «دینها^۳ و مسیحیان و رهبران مذهبی را به وضع مضحک و مضمزکننده‌ای خواهیم [خواهند] انداخت...»^۴

^۱ . یوری ایوانف. صهیونسم صفحه ۳۰.

^۲ 6 Rishoren

^۳ . دین اسلام.

^۴ . علی اوغور - کتاب کنگره صهیونیستها - صفحه ۱۹.

اخیرا فیلمی از زندگی حضرت مسیح در فرانسه توسط یک کارگردان ایتالیایی صهیونیست و یا طرفدار صهیونیستها به روی پرده آمده است. این فیلم که به نام (The Last Temptation Christ) است، آخرین رؤیای آن حضرت را از اینکه زندگی دنیایی و شهرت آلود را فدای زندگی روحانی کرده و نادم شده است، نشان می‌دهد.